نگاه

رقبا یا رفقای خودروساز

احمد فرهادی
کارشناس اقتصادی

● با ورود آقای مهندس نعمت‌زاده در بخش صنعت و تجارت نشانه‌هایی از امید و آرزو در بین صنعتگران از سویی و مردم از سوی دیگر به وجود آمده است. مردم منتظرند چرخ صنعت هرچه زودتر بچرخد تا آنها به مهم‌ترین رویای خود یعنی انتخاب برسند. وقتی چرخ صنعت بلنگد انتخاب رخت بر می‌بندد و تنها یک گزینه وجود خواهد داشت؛ اجبار، مردم به‌عنوان مصرف‌کنندگان فقط مجبورند از سر جبر از میان تولیدات اندک صنعتی تعدادی را برگزینند.

صنعت خودرو هم از این چرخه برون نیست بنا بر دلایل بسیاری مردم این مرز و بوم در انتخاب نوع خودرو خود مجبور شده‌اند. اجبار به انتخاب در میان چند محصول، بیش از ۹۰درصد بازار خودرو در اختیار دو خودروساز بزرگ ایرانی است و بیش از ۹۰درصد تولیدات این دو خودروساز محصولاتی هستند که بیش از یک یا دو دهه از عمر تولیدی آن می‌گذرد. کش‌دادن تولید خودرو آن هم در این حد امری است که در هیچ کجای این دنیای صنعتی نمی‌توان نمونه‌ای برای آن یافت. گرچه خودروسازان معترفند که کوشش‌های بسیاری برای نوآوری و تغییر صورت داده‌اند اما از منظر مصرف‌کنندگان پراید همان پراید و پژو همان پژو است. حداقل در شکل ظاهر! اما چرا و به کدامین دلیل چنین شده است؟

دستیابی به همه دلایل و چرایی اجبار مصرف‌کنندگان در بازار خودرو ایران موضوعی است که فرصت و فراغت بسیار می‌طلبد که ما در این مختصر فقط به دسته بندی پاره‌ای از عوامل و موضوعات خواهیم پرداخت:

– عده‌ای به ضعف و فتور داخلی صنعت خودرو اشاره می‌کنند و درصددند تا علت را درون خطوط تولیدی خودروسازان بیابند. این دسته معتقدند که توان مهندسی صنعت خودرو فقط در حد تغییرات مختصر چراغ و سپر خودروهاست.

– تعدادی به آرامی به پشت پرده صنعت خودروسازی ایران اشاره می‌کنند و مقاومت دستانی نامریی در پشت این صنعت را نشان می‌دهند.

– عده‌ای هم فضای صنعت خودرو را مجزا و جدای از فضای کلی کسب و کار نمی‌دانند و کاهلی این صنعت را در کاهلی فضای بیرونی کسب و کار در ایران تحلیل می‌کنند.

این سه نکته شاید مهم‌ترین نقدها به صنعت خودروسازی ایران باشد که گاه و بی‌گاه از سوی منتقدان مطرح شده است و خودروسازان هم در طول سالیان سال کوشیده‌اند به انحای مختلف به این نقدها پاسخ دهند و نکته مهم هم اینکه نهیب پاسخ‌ها از صدای منتقدان عمدتا بلندتر بوده است. نمی‌دانیم شاید قدرت مالی پشتوانه‌ای برای بلندای پاسخ‌ها بوده است!

اما اگر از این سه موضوع عبور کنیم چه تحلیل دیگری به دست خواهد آمد؟

به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین چالش‌های صنعت خودرو پیروی‌نکردن یا حتی نداشتن مکتب خاصی در این صنعت است. وقتی می‌گوییم مکتب، البته منظورمان استراتژی نیست. از قضا باید چنین بگوییم که صنعت خودرو انرژی بسیاری بر مباحث استراتژیک گذاشته است. استفاده از ساعت‌ها مشاوره، ایجاد ساختارهایی سازمانی و انعقاد قراردادهای مطالعاتی تنها پاره‌ای از انرژی‌هایی است که خودروسازان صرف اینگونه مباحث کرده‌اند. شاید استفاده از واژه «مکتب» به‌جای واژه «استراتژی» سود بیشتری برای صنعت در پی داشته باشد. بزرگان اندیشه چنین می‌گویند که استراتژی عمدتا در فضای رقابتی معنادار است و این سخن صد البته سخنی صواب است اگر به پیشینه همین صنعت نگاه کنیم، می‌بینیم که بیش از یک دهه از عمر نگاه استراتژیک به صنعت خودرو می‌گذرد تا مدت‌ها پیش‌تر صاحبان صنعت خودرو از نبود استراتژی در این صنعت گله‌مند بودند اما آیا آنها امروزه هم می‌توانند از نبود استراتژی سخن بگویند؟ امروزه این پرسش در اذهان عمومی چرخ می‌زند که سودمندی این نوع نگاه را در کجای صنعت خودرو می‌توان رصد کرد؟

واژه مکتب دو مفهوم مستتر در خود دارد اول آنکه جایی است که در آن خط می‌آموزند و نه جایی که خط را اختراع کنند و دوم اینکه مکتب جای درس‌خواندن است نه تعریف سرفصل‌های درسی. توجه به این دو مفهوم برای صنعت خودرو به‌طور اخص و برای صنعت ایران به‌طور اعم، سودمند است به‌ویژه زمانی که رقابت در فضای کسب و کار اندکی مه‌آلود باشد. به هر حال داشتن مکتب یعنی اینکه در یک فضایی غیررقابتی، کسب و کار، صنعت بتواند با تأسی و پیروی از الگوی خاص، برنامه‌های مدون و مشخصی اجرا کند. اما نوشتن استراتژی یعنی اینکه کوشش کنیم در یک فضای رقابتی و با اثرگذاری بر پاره‌ای از متغیرها که تاثیرگذاری بر آنها شدنی است جایگاهی را در بین رقبا کسب کنیم. حال اگر کارنامه صنعت خودروسازی ایران را بررسی کنیم، متوجه می‌شویم که این صنعت بی‌رقیب برای کسب سهم بیشتری از بازار کوشش‌های بسیاری کرده تا استراتژی‌هایی را تدوین کند و پارادوکس در همین‌جاست که در بازار انحصاری، سخن از رقیب و استراتژی سخن بی‌مایه‌ای است! شاید عده‌ای گمان ببرند که دو خودروساز بزرگ ایرانی به‌عنوان رقیب یکدیگر در بازار عمل می‌کنند در حالی که با نگاهی به محصولات این دو شرکت متوجه می‌شویم که آنها نه‌تنها رقیب یکدیگر نبوده‌اند که رفیق یکدیگرند! یکی پراید تولید کرده در یک محدوده قیمتی و دیگری پژو تولید کرده در یک محدوده قیمتی دیگر؛ حال آنکه رقابت یعنی اینکه شرکت‌ها محصولاتی در یک محدوده قیمتی داشته باشند و این مشتریان باشند که زورمندی رقبا و توانایی آنها را مورد سنجش و داوری قرار دهند.

چه انگیزه‌ای سازمان دامپزشکی را مجاب به صدور مجوز کرد؟

توزیع شیر غیرپاستوریزه قانونی شد

فرزانه طهرانی

عکس: جام‌جم

شرق: سرانجام پس از پنجماه کشمکش برای عرضه شیر فله در بازار، سازمان دامپزشکی زیر بار صدور مجوز رفت. بحث و مناقشه درباره توزیع شیر خام بین وزارت بهداشت و سازمان دامپزشکی از آنجا بالا گرفت که بیماری‌های قابل‌انتقال به انسان در محصولات فله قابل توجه و مهم‌تر از آن غالبا غیرقابل شناسایی است. معاون بهداشت و پیشگیری سازمان دامپزشکی درحالی بر نظارت دقیق کارشناسان این سازمان بر عرضه فله‌ای فرآورده‌های لبنی تاکید می‌کنند که به اعتقاد کارشناسان ابزارهای دامپزشکی برای تشخیص و کنترل بیماری بسیار ضعیف است و به دلیل نقص در ابزارها احتمال اینکه تاکنون هم در تشخیص بیماری‌ها اشتباه کرده باشند بسیار قوی است. دلیل سازمان دامپزشکی برای این اقدام خود، افت شدید مصرف شیر در کشور به دلیل افزایش قیمت فرآورده‌های لبنی است. مسوولان این سازمان معتقدند قیمت شیر فله بین ۳۰ تا ۵۰درصد کمتر از محصولات پاستوریزه است بنابراین با این روش سرانه مصرف شیر افزایش خواهد یافت.

تامین منافع اقتصادی گروهی خاص پشت‌پرده شیر فله است

اگرچه مصرف شیر برای حفظ سلامت مصرف‌کنندگان در بلندمدت توجیه سازمان دامپزشکی شده است اما فعالان این حوزه از رانتی که پشت این مجوزهاست سخن می‌گویند. پیام محبی یکی از فعالان حوزه دامپزشکی و نایب‌رییس جامعه دامپزشکان در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید: این اتفاق تنها منافع یک عده از دامداران را به‌دنبال دارد چراکه مقرر شده است این مجوز فقط به برخی از دامداری‌های مورد تایید دامپزشکی تعلق گیرد. وی می‌افزاید: تحت این شرایط تولید شیر خام دامداری‌های کوچک بلاتکلیف می‌ماند و این درحالی است که برنامه‌ای برای جبران زیان این عده از تولیدکنندگان نیز دیده نشده است. وی خاطرنشان می‌کند: از سوی دیگر در این بین صنایع لبنی هم به دلیل نرسیدن ماده اولیه مورد نیاز دچار خسران می‌شوند و برای چرخیدن چرخ تولیدشان ناگزیر به استفاده از شیرخشک وارداتی خواهند شد.

لابی قوی دامداران

مشکلات دامداران بر سر نخریدن شیر خام توسط کارخانجات سبب شد زمزمه عرضه شیر فله آغاز شود. در یکی، دو سال گذشته کارخانجات به‌دلیل افزایش نرخ شیر خام و افزایش همزمان هزینه‌های تولید از خرید شیر دامداران سر باز زدند. آنها معتقد بودند تا زمانی که دولت بر قیمت تمام‌شده آنها نظارت دارد و اجازه افزایش قیمت متناسب با رشد هزینه‌ها را به آنها نمی‌دهد؛ تولید فرآورده‌های لبنی مقرون به صرفه نیست. بنابراین در این جریان شیر دامداران که محصولی فسادپذیر است؛ روی دست‌ها ماند. از این‌رو برای جلوگیری از زیان دامداران، مسوولان به این فکر افتادند که شیر خام را به جای کارخانجات به مردم بفروشند. از سوی دیگر تحت شرایط دو سال اخیر که قیمت شیر و فرآورده‌های آن در حال افزایش است؛ کم‌کم مصرف سرانه در سراشیبی قرار گرفت و دولت برای حل این مشکل راه‌حل غیرمتعارف عرضه شیر ارزان غیرپاستوریزه را پیشنهاد داد. در پنجماه گذشته که موضوع عرضه فله شیر با اجرای طرح پایلوت در استان خراسان‌جنوبی جدی شد، بارها بین وزارت بهداشت و سازمان دامپزشکی اختلاف و درگیری بر سر ماجرای غیرپاستوریزه‌ها پیش آمد اما در نهایت این ماجرا با غلبه سازمان دامپزشکی و قانونی‌شدن توزیع شیر فله پایان یافت. این مجوز در حالی صادر شده است که متخصصان بروز بیماری‌هایی همچون تب مالت را بسیار محتمل می‌دانند. اگرچه محسن مشکات معاون پیشگیری و بهداشت سازمان دامپزشکی تاکید می‌کند که عرضه شیر تحت نظارت کامل دامپزشکی انجام شده و به شرط نظارت مجوز صادر می‌شود اما کارشناسان معتقدند به دلیل نداشتن ابزارهای شناسایی، ناظران قادر به تشخیص بیماری نیستند و چه بسا این بیماری‌ها تا کنون هم از زیر چشم کارشناسان گذشته و به مصرف‌کنندگان رسیده باشد. هرچند مسوولان این تحلیل را بدبینانه توصیف می‌کنند اما اخبار اولین قربانی شیر خام بر صحبت‌های کارشناسان مهر تایید زده است. چندی پیش بود که اخبار گله‌ای ۳۰راسی مبتلا به سل روی خروجی رسانه‌ها قرار گرفت. شیر تولیدی این گله پیش از این به صورت فله به فروش می‌رسید.

> **اگرچه محسن مشکات معاون پیشگیری و بهداشت سازمان دامپزشکی تاکید می‌کند که عرضه شیر تحت نظارت کامل دامپزشکی انجام شده و به شرط نظارت مجوز صادر می‌شود اما کارشناسان معتقدند به دلیل نداشتن ابزارهای شناسایی، ناظران قادر به تشخیص بیماری نیستند و چه بسا این بیماری‌ها تا کنون هم از زیر چشم کارشناسان گذشته و به مصرف‌کنندگان رسیده باشد**

سلامت مردم قربانی منافع شد

به دلیل همین خطرات هم دبیر فدراسیون بین‌المللی شیر می‌گوید در هیچ جای دنیا شیر فله توزیع نمی‌شود. پیش از این مشکات با دفاع از درخواست دامداران برای توزیع شیر فله‌ای، اعلام کرده بود که حتی در کشورهای پیشرفته دنیا نیز شیر به شکل فله‌ای توزیع می‌شود اما گویا تحت‌فشار این تولیدکنندگان سرانجام سازمان دامپزشکی کوتاه آمد. مهرنوش امجدی اذعان می‌کند: برخی مواقع دامداران برای آنکه شیر روی دست آنها نماند، راهکارهایی را مطرح می‌کنند که تهدیدکننده سلامت مردم است. دامدارانی که پیشنهاد توزیع شیر فله‌ای را مطرح می‌کنند، باید توجه داشته باشند که تمامی فعالان این صنف تحصیلکرده نیستند. وی ادامه می‌دهد: راهکار اساسی که دنیا به آن رسیده، این است که تولید و فرآوری‌کننده شیر خام با یکدیگر شریک باشند. در دنیا بیشتر دامداران صاحب کارخانه‌های فرآوری هستند یا اینکه کارخانه‌ها، دامداری بزرگ تاسیس می‌کنند. دبیر IDF ایران با اشاره به افزایش میانگین جهانی سرانه مصرف شیر، بیان می‌کند: بر اساس آمار سال ۲۰۱۲ فدراسیون جهانی شیر، سرانه مصرف در ایران از ۱۶۰کیلوگرم در سه، چهار سال گذشته به ۱۹۵کیلوگرم رسیده است. حسین چمنی مشاور صنایع شیر ایران نیز این اقدام دامپزشکی را نادرست دانسته و از مسوولان می‌خواهد پیش از اعطای مجوز به چند پرسش پاسخ دهند. او خطاب به محسن مشکات می‌گوید: عنوان مسوولیت شما معاون بهداشتی و پیشگیری سازمان دامپزشکی کشور است. به‌عنوان یک کارشناس تولیدات دامی، اگر قرار باشد برای مصرف‌کنندگان شیر یک توصیه بهداشتی و پیشگیرانه داشته باشید، آن توصیه چیست؟ چمنی اضافه می‌کند: پس از سازمان دامپزشکی که مسوول تولیدات خام دامی است، نظر کدام وزارتخانه به عنوان سلامت مردم برایتان مهم است که شما را هم به این باور نزدیک کند که توزیع شیر خام فله ممکن است، سلامتی مردم را تهدید کند؟ البته پاسخ باید گزینه‌ای غیر از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی باشد، چراکه این وزارتخانه بارها بر خطرناک‌بودن این روش تاکید کرده و هرگز موافق این کار نیست. او همچنین اضافه می‌کند: لطفا برای مردم توضیح دهید سازمان دامپزشکی با کدام امکانات و سازوکار تمام آزمایش‌های شیمیایی، فیزیکی و میکروبی شیر خام را برای حصول اطمینان از سلامت آن انجام می‌دهد و نتایج چگونه می‌تواند در اختیار مردم و کارشناسان برای نظارت و بررسی قرار گیرد؟ مشاور صنایع شیر ایران با بیان اینکه سازمان دامپزشکی تاکنون چه فعالیت‌هایی در زمینه بهبود کیفیت شیر خام انجام داده و نتایج حاصل از این فعالیت‌ها چه بوده است؟ تصریح می‌کند: آیا تاکنون این سازمان به وظایف نظارتی خود در زمینه کیفیت شیر خام فله‌ای که در فروشگاه‌های کشور عرضه می‌شود، عمل کرده است؟ اگر جواب مثبت است، لطفا میزان متوسط بار میکروبی شیرهای فله‌ای عرضه‌شده را به مردم اعلام کنید. وی تاکید می‌کند: با توجه به آشنایی شما با بیماری‌های مشترک انسان و دام آیا مصرف شیر خام فله را به فرزندان و خانواده خودتان هم تجویز می‌کنید؟ در هر حال همه کارشناسان و دست‌اندرکاران بر این امر اتفاق نظر دارند که مالت، سل، تب کیو، انواع و اقسام مسمومیت‌ها و آلودگی‌های ثانویه محصول استفاده از شیر فله‌ای است و برای شناسایی آن نیز ابزار دقیقی وجود ندارد. پس بسیار محتمل است که مصرف‌کنندگان به این بیماری‌ها که سال‌ها از ابتلا به آن خبری نبود دچار شوند.

خبر

ربیعی: گسترش خصوصی‌سازی راه گسترش عدالت اجتماعی است

● **مهر:** وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت: ناگزیر به سمت خصوصی‌سازی در دولت خواهیم رفت و باید حجم زیاد نقدینگی در دست مردم را در جهت افزایش اشتغال و تقویت تولید ملی به‌کار گیریم. به گفته علی ربیعی، ظرفیت‌سازی برای فعالیت تعاونی‌ها، روان‌سازی و تسهیل فعالیت و اخذ مجوز برای تعاونی‌ها و تقویت مدیران حوزه تعاون و کمک به راه‌اندازی تعاونی‌های نیمه‌فعال از برنامه‌هایی است که در بخش تعاون در قالب برنامه صدروزه دولت دنبال می‌شود. ربیعی خاطرنشان کرد: کمک به ایجاد تشکل‌های تعاونی در قالب اتاق‌ها و اتحادیه‌ها نیز از برنامه‌ها خواهد بود و وزارتخانه به این موضوع کمک خواهد کرد و در میان‌مدت ایجاد تشکل‌های تعاونی پیگیری می‌شود. از سویی بانک تعاون باید توسط دولت تقویت شود. وی تاکید کرد: در راستای خصوصی‌سازی که از برنامه‌های دولت است، راه اینکه بتوانیم به عدالت اجتماعی برسیم و در جامعه فاصله طبقاتی کم شود و به نوعی عدالت اجتماعی گسترده‌ای در جامعه داشته باشیم، خصوصی‌سازی از طریق تعاونی‌ها باید صورت پذیرد. به گفته ربیعی آمارسازی ممنوع است و پایه‌های آمار را واقعی می‌کنیم و آمارها را به‌صورت شفاف به جامعه ارایه خواهیم کرد.

زنگنه: زمستان کمبود گاز داریم قلعه‌بانی: کاهش تولید گاز نداریم

● **مهر:** وزیر نفت از کاهش و کمبود شدید گاز برای زمستان سال‌جاری اظهار نگرانی می‌کند، با این وجود مدیرعامل شرکت ملی نفت با تاکید بر اینکه کاهش تولید گاز صحت ندارد، گفت: حتی در چند سال گذشته افزایش هم یافته است. مدیرعامل فعلی شرکت ملی نفت ایران کاهش تولید گاز ایران در چند سال گذشته تاکنون را رد می‌کند. احمد قلعه‌بانی مدیرعامل شرکت ملی نفت در ادامه درباره ظرفیت تولید نفت و گاز و نگرانی وزیر از کاهش تولید گاز افزود: ظرفیت تولید گاز کشور با توجه به تعمیرات اساسی انجام‌گرفته در سال‌های گذشته افزایش یافته و اینطور نبوده که کاهش تولید داشته باشیم. او تاکید کرد: نمی‌توان به صورت انتزاعی گفت پارس‌جنوبی از برنامه عقب ماند اما می‌توان گفت برخی از فازها به‌دلیل مسایل فنی تجهیزاتی، برخی مدیریتی و برخی تامین مالی پروژه‌ها با تاخیر اجرا و از برنامه عقب ماند. تاخیر برخی از فازها هم شاید به دلیل شروع همزمان چندین فاز و پیش‌بینی‌هایی که در تامین مالی آنها انجام شده و محقق نشده، باشد و شاید اگر تعداد کمتری تمرکز می‌شد، پیشرفت بیشتری حاصل می‌شد.

ادامه از صفحه اول

دوستانه با زیباکلام

۲-مطابق قانون تامین‌اجتماعی یک سوم از حق بیمه‌های دریافتی ناشی از سهم کارگر، کارفرما و دولت مربوط به هزینه‌های درمانی بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران می‌باشند بنابراین از آغاز آنچه که می‌ماند ۱۸درصد از حق بیمه‌های دریافتی می‌باشد. تجربیات جهانی حکایت از آن دارد که یک سازمان بیمه‌ای کارآمد باید پس از جداکردن سهم درمان بتواند حداقل یک دوم از حق بیمه‌های دریافتی را سرمایه‌گذاری کند. بنابراین از آنجاکه مولف محترم توقع دارند تمام حق بیمه‌ها سرمایه‌گذاری شود با واقعیت‌های صندوق‌های بیمه‌ای و تجربیات جهانی تطبیق ندارد. نکته دیگری که این استاد ارجمند در این یادداشت مدعی آن شده‌اند اشاره به این مساله است که می‌فرمایند شستا بیش از نیم‌قرن فعالیت دارند و در نتیجه الان توقع بود به خاطر فعالیت اقتصادی این سازمان از نظر مالی در وضعیت کاملا مطلوبی قرار می‌گرفت. در این خصوص به چند نکته اساسی اشاره می‌شود.

۱-مطابق سالنامه آماری سازمان تامین‌اجتماعی که مقایسه‌ای بین کل منابع و مصارف این سازمان طی سال‌های ۹۰-۱۳۴۰ صورت گرفته است نسبت کل مصارف به کل منابع منهای یک سوم سهم درمان همواره گویای این واقعیت است که در سال ۱۳۴۰، ۷۸درصد درآمدهای سازمان تامین‌اجتماعی صرف هزینه‌های جاری و تعهدات کوتاه مدت و بلندمدت آن می‌شده و در دهه ۵۰ با توجه به گسترش ضریب نفوذ بیمه‌ای این رقم به ۶۶درصد می‌رسد و در دهه ۶۰ به حدود ۴۷درصد کاهش می‌یابد و در دهه‌های ۷۰، ۸۰ به ترتیب ۵۸درصد و ۶۷درصد ارتقا می‌یابد، اسناد و مدارک مالی سازمان نشان می‌دهد که این اضافه درآمدها که باید سرمایه‌گذاری شود فقط نزد بانک‌ها نگهداری می‌شده است و متاسفانه انگیزه‌های سرمایه‌گذاری وجود نداشته است. مطابق صورت‌حساب‌های مالی سازمان تامین‌اجتماعی تا سال ۱۳۵۸ هیچ‌گونه درآمدی که حاصل از سرمایه‌گذاری باشد وجود ندارد و از این سال به بعد ارقامی ناشی از سود فعالیت‌های سرمایه‌گذاری در حساب‌های این سازمان خود را نشان می‌دهد. خوب است جناب آقای دکتر زیباکلام عزیز بدانند در سال ۱۳۶۵ دولتی که درگیر جنگ بود و چند استان آن در معرض آتش دشمن بود از مقوله تامین‌اجتماعی و حفظ ذخایر و دارایی‌های آن غافل نبود و طی تصویب نامه‌ای شرکت سرمایه‌گذاری تامین‌اجتماعی را بنا نهاد و در واقع شکل‌گیری سرمایه‌گذاری نوین تامین‌اجتماعی در کنار فعالیت‌های بانک رفاه از این سال آغاز شد؛ بنابراین شستا کمی بیش از ربع قرن فعالیت خود را آغاز کرد و ادعای ایشان به نیم قرن فعالیت شستا با واقعیت تطبیق ندارد. نکته دیگری که در یادداشت دکتر زیباکلام بسیار بزرگ‌نمایی و غیرواقعی به آن توجه شده است اشاره‌ای به این مساله است که اگر شستا خوب اداره شده حتی دولت تدبیر و امید احتیاج به درآمدهای نفتی نداشت و همچنین ادعا شده است دولت‌ها با دخالت‌های خود این شرکت را ناکارآمد کرده است.

در این خصوص نیز با اشاره به بعضی نکات می‌توان صحت ادعای ایشان را به شدت مورد تردید قرار داد.

۱- در میان شرکت‌های بزرگ سرمایه‌گذاری وابسته به نهادها و صندوق‌های بیمه‌ای و بازنشستگی از آغاز تاکنون به‌رغم تمام ایرادهای فنی و تخصصی که وجود دارد شستا در مقایسه از بازدهی بالاتری برخوردار بوده است بنابراین آنچه موجب شده است که سرمایه‌گذاری سازمان تامین‌اجتماعی نتواند پاسخگوی نیازهای امروز آن باشد مقصر و گناهکار اصلی بزرگی یا دولتی‌بودن شستا نیست بلکه عدم‌توجه مدیریت عالی تامین به مولفه‌های کلیدی چون:

الف: نامشخص بودن انتظارات از سرمایه‌گذاری‌ها

ب: مساله معیار مناسب بازدهی سرمایه‌گذاری‌ها به منظور ارزیابی عملکرد

ج: مساله ترکیب بهینه سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف‌سرمایه‌گذاری

د: مساله تاثیر متغیرهای سیاسی بر تصمیم‌سازی در حوزه‌سرمایه‌گذاری

ه: مساله محدودیت‌های بازار سرمایه در اقتصاد ملی

و... می‌باشد.

۲-گزارشات رسمی حکایت از آن دارد که با توجه به حق بیمه‌های دریافتی، در حال حاضر تعهدات سازمان تامین‌اجتماعی حدود ۴۰۰هزار میلیارد ریال است، این در حالی است که ارزش روز دارایی‌های شستا با توجه به افزایش نرخ ارز و قاعدتا افزایش دارایی‌های آن حداکثر ۲۰هزارمیلیاردتومان برآورد می‌شود که اگر همه این دارایی‌ها قابلیت نقدشوندگی داشته باشند و خریدار وجود داشته باشد در خوشبینانه‌ترین حالت حداکثر می‌تواند پاسخگوی یک سال تعهدات سازمان تامین‌اجتماعی باشد بنابراین بزرگ جلوه‌دادن بیش از حد شستا و ناکارآمدی آن موجب غفلت نظام از سایر وجوه ساختاری که موجب شده است سازمان تامین‌اجتماعی در چنین وضعیتی قرار گیرد خود خطای غیرقابل اغماضی خواهد بود.

۳-تراز سالانه شستا خود گویای این واقعیت است که بالاترین سود این شرکت سرمایه‌گذاری که در بعضی از سال‌ها بالغ بر هزارمیلیاردتومان می‌باشد دقیقا ناشی از شرکت‌های بزرگی چون نفتکش، کشتیرانی، خودروسازی، پتروشیمی‌ها و... که دولت به تامین‌اجتماعی بابت دیوان واگذار کرده است لذا اینگونه ارزیابی‌کردن از دولت و سیاه‌کردن کارنامه دولت‌ها با معیارهای علمی که بدون شک مورد تایید استاد نیز است، کاملا در تقابل می‌باشد.

جناب آقای زیباکلام در بخشی از این یادداشت که به درستی هم به آن اشاره داشته‌اند بی‌ثباتی در مدیریت سازمان تامین‌اجتماعی و انتصاب مدیران سیاسی یا تابع در سطوح تصمیم‌گیری مالی و حرفه‌ای را عاملی در تشدید به‌وجودآوردن چنین وضعیتی برای این سازمان و سرمایه‌های آن قلمداد کرده‌اند.

ادامه در صفحه ۱۵